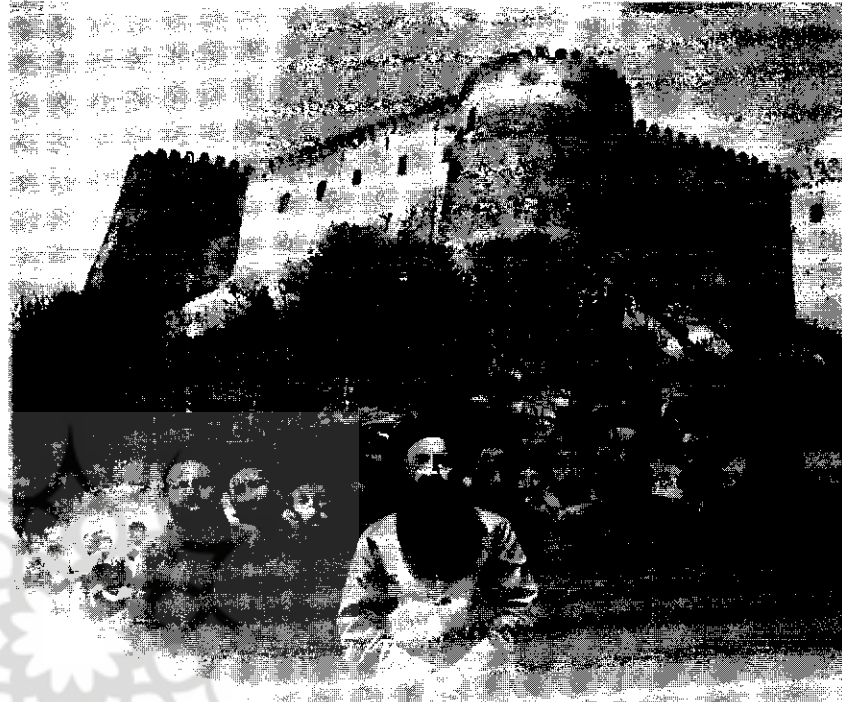


تاریخ لرستان روزگار پهلوی، روایتی از درون



جای بسی شادمانی است که بخش پایانی مجموعه دستنوشته‌های تاریخی روانشاد **والی‌زاده معجزی** به بایمردی پژوهشگر ارجمند جناب آقای **غلامرضا عزیز** در دسترس لرستان‌پژوهان قرار گرفت. این کتاب جلد دوم **تاریخ لرستان روزگار قاجار** است که در سال ۱۳۸۰ از سوی همین ناشر به بازار آمد. نوشته‌های معجزی در روند تاریخ‌نگاری لرستان دارای جایگاه ویژه‌ای است و تنها با شناخت کلیت فرهنگ و تاریخ لرستان می‌توان به درکی درست و روشن از آثار او و ارزش آنها دست یافت. والی‌زاده در ۱۲۹۶ در یکی از دودمان‌های اشرافی و حکومتگر لرستان به دنیا آمد. شش ساله بود که درگیری‌های پهلوی و لرها آغاز گردید. نوجوانی را در روزگار پهلوی اول سپری کرد. جوانی او با سال‌های پرتنش دهه ۲۰ هم‌زمان شد. کار، زندگی و تجربه نویسندگی‌اش حاصل روزگار پس از کودتای ۲۸ مرداد است. او یک دهه از انقلاب اسلامی را نیز تجربه کرد و سرانجام در ۱۳۶۰ درگذشت. به سخن دیگر آغاز و انجام زندگی وی با آغاز و انجام فرمانروایی دودمان پهلوی در ایران همراه است و در پرتو کارکرد دودمان یاد شده در لرستان باید تحلیل شود.

تاریخ‌نگاری لرستان در ۱۳۳۴ ق. یا آشفته‌ترین هنگامه پس از مشروطه، به وسیله میرزا رحیم خان معین السلطنه آغاز گردید. او در آن زمان نایب الحکومه خرم‌آباد بود و کتاب جغرافیای لرستان را به پیشنهاد علی نقی میرزا رکن‌الدوله حاکم بروجرد و لرستان نوشت. این اثر نخستین گام جدی مردم لرستان برای شناخت آن



• حمیدرضا دالوند

• تاریخ لرستان روزگار پهلوی

• تألیف: محمدرضا والی‌زاده معجزی

• تصحیح: غلامرضا عزیز

• ناشر: خرووفیه، تهران، ۱۳۸۲

در کتاب «تاریخ لرستان روزگار پهلوی»، نخستین روایت جامعه لرستان از درون درباره عملکرد دودمان پهلوی، به ویژه پهلوی اول یافت می‌شود. همچنین کتاب حاوی دقیق‌ترین روایت منتشر شده درباره عملیات ارتش پهلوی در منطقه لرستان است

تجمع طایفه بیرانوند در انتخابات پهلوی دوم



نوشته‌های والیزاده
معجزی در روند
تاریخ‌نگاری لرستان دارای
جایگاه ویژه‌ای است و
تنها با شناخت کلیت
فرهنگ و تاریخ لرستان
می‌توان به درکی درست و
روشن از آثار او و ارزش
آنها دست یافت

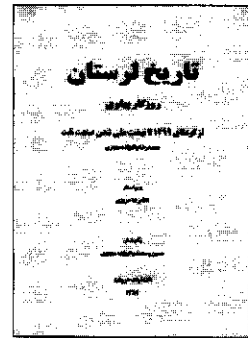
دودمان‌های حکومت‌گر ایران است. قاجارها به سبب ناتوانی در برقراری امنیت در سراسر کشور و نیز نقشی که در عقب‌ماندگی ایران از قافله تمدن بشری داشتند، همواره مورد نقد تند و تیز نویسنده قرار می‌گیرند؛ باین حال کسانی چون **ظل السلطان و عین الدوله** که توانسته بودند سرزمین پیرآشویی چون لرستان را برای مدتی آرام سازند، مورد ستایش او قرار می‌گیرند.^۱

دودمان پهلوی به سبب برقراری امنیت و رشد کشور، جایگاه والایی در تحلیل‌های معجزی دارد. به ویژه اینکه اثر یاد شده تحت تأثیر ارزش‌ها و آموزه‌های حاکم بر جامعه دهه‌های چهل و پنجاه ایران و گویا به پیشنهاد مقامات و متولیان فرهنگی حکومت پهلوی به نگارش درآمده است. اختصاص جلد دوم اثر - موضوع این گفتار - به تاریخ پهلوی نشان از اهمیت این دوره در نظر نویسنده و نیز بیانگر هدف غایی آن است. در تاریخ‌نگاری معجزی کارنامه دودمان پهلوی در سنجش با عملکرد قاجارها مورد ارزیابی قرار گرفته است. از این رو خواننده فرهیخته باید در چنین چارچوبی به نقد و بررسی مطالب او بپردازد.

البته تعدیل‌هایی که در چارچوب حاضر برای به روز شدن مطالب صورت گرفته، تا اندازه‌ای ماهیت گرایش نویسنده را تحت تأثیر قرار داده است.

با این همه اثر معجزی - به ویژه جلد اخیر - به سبب اینکه نویسنده در متن حوادث قرار داشته و آنچه را نوشته یا خود تجربه کرده و

منطقه‌است که به دست اشراف‌زادگان و زیر نظر کارگزاران ارشد حکومت‌نویسته شده است. رژیم پهلوی نیز همین روند را پی گرفت. در کنار تلاش گزارشگران و خبرنگاران روزنامه‌ها که در شرح پیروزی‌های ارتش در لرستان، مطالب پراکنده اما چشمگیری را ثبت کردند، فاتحان لرستان بیش از دیگران به نگارش تاریخ لرستان پرداختند. **جغرافیای نظامی لرستان** نوشته رزم‌آرا و **خاطرات سپهبد امیراحمدی** نمونه‌هایی ارزشمند در این زمینه هستند.^۱ در میان نخستین دانش‌آموزان مدرسه‌های پهلوی در لرستان به تدریج نخبگانی پیدا شدند که به ضرورت پایگاه خانوادگی و پیشینه دودمانی خود به تدوین تاریخ لرستان پرداختند. **محمدرضا والیزاده معجزی** یکی از پیشگامان این نسل است. او پرورده نخستین مدرسه‌های پهلوی است. پریشانی‌های پس از مشروطیت را دیده است. شاهد ورود خشونت‌بار ارتش به خرم‌آباد بوده و در سایه امنیتی که پیامد مستقیم این اردوکنشی‌های خشن و خونین بود پرورش یافته است. همچنین مدرن‌نیم پهلوی، به ویژه رفاه و رونق - هرچند ظاهری - شهرها در دو دهه چهل و پنجاه را تجربه کرده و در چنین زمانه‌ای اندوخته‌های خود را تدوین نموده است. از این رو در پس‌زمینه نوشته‌های او امنیت، موهبتی الهی برای مردم لرستان است که برقرارکننده آن هر کس و به هر شیوه‌ای که باشد، ستودنی و برهم‌زننده آن ناخجسته و شوم است.^۲ امنیت و پیشرفت دو شاخص عمده معجزی در ارزیابی کارنامه حاکمان لرستان و نیز



تاریخ نگاری لرستان در سال ۱۳۳۴ ق. یا آشفته‌ترین هنگامه پس از مشروطه، به وسیله میرزا رحیم خان معین السلطنه مؤلف کتاب «جغرافیای لرستان» آغاز گردید

یا بی‌واسطه از قهرمانان آن ماجراها شنیده است، ارزش و اهمیت فراوانی دارد. دست کم در این کتاب - آنچنان که در عنوان این مقاله اشاره شده است - نخستین روایت جامعه لرستان از درون درباره عملکرد دودمان پهلوی، به ویژه پهلوی اول، یافت می‌شود.

همچنان که در جلد نخست به جای تاریخ مردم، حاکمان قاجار لرستان موضوع فصل‌های کتاب هستند، جلد دوم نیز با طرحی مشابه در حقیقت تاریخ حاکمان پهلوی در سرزمین یاد شده است. با این حال در جلد دوم به وضع مردم و قهرمانان آنها، و نیز قضاوت‌های درون جامعه لرستان درباره دولت و نظامیان توجه بیشتری شده است؛ تا جایی که باید آن را به عنوان یک روایت درونی کامل پذیرفت و در کنار نوشته‌های رزم آرا، امیراحمدی، اسناد شاه‌بختی و دیگر گزارش‌های پراکنده مطبوعات در باز آفرینی و نقد تاریخ لرستان در روزگار پهلوی از آن استفاده نمود.

همان گونه که نگارنده در جای دیگری اشاره کرده است، معجزی پیشگام تاریخ‌نگاری ذوقی لرستان است و چون تحصیل کرده این رشته نیست، در نوشته‌هایش بیشتر به شرح رویدادها توجه دارد تا ارائه تحلیلی مشخصی از واقعیت موجود.

تأثیرپذیری از آموزه‌ها و انگاره‌های فکری زمان خود نیز، سبب شده تا نویسنده حتی در جایی که به موضوعی پرداخته و می‌توانسته تحلیل خود را ارائه کند، نتواند دیدگاهی مستقل بیان نماید؛ از جمله‌عللی که فاتحان در توجیه خشونت خود در لرستان ارائه می‌نمودند و بر آن اصرار داشتند، قضیه نفوذ انگلیسی‌ها در آنجا و قصد خوانین لر مبنی بر جدایی این منطقه بوده است. این نگرش و اختلاف شریف‌الدوله و امیر احمدی، همان گونه که از زبان امیراحمدی جاری شده، در اثر معجزی نیز نقش بسته است و به خواننده تلقین می‌شود. واقعیت این است که مسئله لرستان نه آن چنان پیچیده و شوم بود که ادعا شده و نه آنهایی که در لرستان مقاومت کردند و خواهان حفظ وضع موجود بودند، قهرمانان مردمداری بودند که امروزه قابل دفاع باشند. همچنان که سرکوبی چند آشوبگر و یا اعدام چند خان سودجو ناآگاه به منافع ملی را نباید پیروزی چشمگیری برای امیراحمدی و ارتش رضاخان دانست، اقدام ارتش را نیز نباید گناهی بزرگ و نابخشودنی قلمداد کرد. در واقع نباید تنها به وجه خونین و خشونت‌بار قضیه پرداخت و دیگر پی آمده‌های نیک و بد آن را از نظر دور داشت.

برجسته‌ترین سرکرده لرها در روزگار مشروطه، نظر علی خان امرایی بود که کورکورانه و از روی احساس پیرو سالارالدوله شده بود و چون انگشتی در دستان او می‌چرخید، از این رو باید گفت وجود رابطه میان سرکردگان لر و انگلیسی‌ها به دلایل بسیار افسانه‌ای ساخته امیراحمدی و دربار پهلوی بوده است. بزرگ‌نمایی خطر لرستان و قدرت افسانه‌ای لرها، تنها توجیهی برای خشونت ارتش در لرستان و درخشان جلوه دادن کارنامه ارتش جوان در

برقراری امنیت کشور بود. به گونه‌ای که در کتاب حاضر اشاره شده است و در اسناد برجای مانده از روزگار پهلوی اول نیز مشاهده می‌شود، قدرت افسانه‌ای لرها رویایی بیش نبود و بیشتر خوانین حاضر به همکاری با دولت بودند. تنها بیرانوندها همکاری خود را منوط به رسمیت یافتن مالکیت‌شان بر املاک سیلاخور می‌دانستند و به سبب بافشاری بر این خواسته نیز تاوان سنگینی پرداختند. با این حال در مرکز، قدرت و خطر خوانین لر از سوی سردمداران ارتش جوان صدچندان وانمود و تبلیغ می‌شد. حتی گروه نظامیان مستقر در منطقه به فرماندهی امیراحمدی، سرسختانه در برابر مصلحت‌اندیشی سیاسیون مقاومت می‌کردند؛ زیرا آنها با فتح لرستان بهانه تبلیغی ارزشمندی برای استقرار قدرت پهلوی به دست می‌آوردند. بنابراین باید مسئله حضور انگلیسی‌ها و نیز اختلاف‌نظرهای امیراحمدی و شریف‌الدوله را با دیدی فراتر از این‌نگریست.^۵

در کتاب معجزی به مهاجرت غیربومیان به خرم‌آباد اشاره شده، این^۶ امر از جمله نقاط قوت اثر و نشان از تیزبینی نویسنده دارد. البته به این قضیه باید با دیدی ژرف‌تر نگریست نه به عنوان یک مهاجرت ساده و معمول.

زیرا این مهاجرت یک رویداد مؤثر و قابل بحث در تاریخ معاصر لرستان غربی، به ویژه حوزه شهرستان خرم‌آباد است که در نتیجه آن قشر جدیدی به نام دولتیان در طبقه اشراف منطقه شکل گرفت. این قشر در تحولات بعدی، به خصوص دگرگونی‌های سیاسی-فرهنگی منطقه تأثیر فراوانی بر جای نهاد.^۷

معجزی در کنار شنیده‌ها و دیده‌های خود، از اسناد و مکاتبات نیز بهره برده و آن چنان که شایع است وی گنجینه‌ای منحصر به فرد از اسناد و مکاتبات تاریخی در دست داشته است. متأسفانه تاکنون خیر درستی در این باره منتشر نشده است، ولی بر پایه آنچه که از نوشته‌های وی به چاپ رسیده است و نیز با توجه به دریافت شخصی نگارنده به عنوان مصحح جلد نخست نوشته‌های والیزاده معجزی، دسترسی او به چنین گنجینه‌ای پرسش‌برانگیز است. زیرا او که از مقاله‌های معمول و عادی مربوط به زندگی عبداللطیف طسوجی و یا سرانجام کار سالارالدوله در مصر نمی‌گذرد، چگونه ممکن است از درج اسناد با اهمیتی از تاریخ دگرگیری‌های پهلوی و لرها صرف‌نظر کند؟ وانگهی او تعداد انگشت شماری از مکاتبات و تلگراف‌ها را درج کرده است. پس یا موجودی او همین تعداد اسناد بوده که منتشر ساخته یا این که اسناد بیشتری در دست داشته و استفاده نکرده است، که در این صورت بسیاری از حقایق تاریخی رانگفته باقی گذارده است.

گذشته از این، در برخی موارد نیز نتوانسته تحلیل و تفسیری مناسب از اسناد به کار برده ارائه کند. به عنوان نمونه مکاتبات‌های دلفان‌ها و امیراحمدی در ۱۳۰۱ را در سایه رقابت میان آنها و خان‌طهران باید بررسی کرد نه ارائه «نمونه‌ای از سبک

نامه‌نگاری ارتش» و یا «دخالت‌های امیراحمدی در امور منطقه دلفان»^۸.

به هرحال اثر معجزی با همه نقاط قوت و ضعف آن، دقیق‌ترین روایت منتشر شده درباره اردوکشی ارتش پهلوی به منطقه لرستان است: ماجرای دستگیری شیخه، اختلاف میان سران بیرانوند، مقاومت‌های پراکنده مردم در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۲ در برابر خشونت پهلوی و... به تفصیل و با زبانی شیرین که گاه فراتر از تاریخ و بیشتر به قصه‌گویی نزدیک می‌شود، در این کتاب بیان شده‌اند.

معجزی هر چه به پایان کار نزدیک‌تر می‌شود، رویدادها را به ایجاز و اختصار ثبت می‌کند. به عنوان نمونه بخش سوم کتاب، رویدادهای دهه بیست را در بر دارد و نویسنده نیز در کوران حوادث قرار داشته، با این وجود از همه بخش‌های کتاب فشرده‌تر است^۹ در صورتی که در این زمینه اطلاعات بیشتری می‌توانسته ارائه نماید.

سازمان دهی کتاب که توسط مصحح فره‌یخته صورت گرفته است، در کلیت - بخش‌ها - مناسب است، ولی در «فصل‌ها» پاره‌ای ایرادات جزئی به چشم می‌خورد، به عنوان نمونه بهتر بود برخی فصل‌ها، از جمله فصل اول و دوم بخش اول در هم ادغام می‌شد.^{۱۰} و یا در مورد رابطه عنوان‌ها با مطالب زیر آن در برخی موارد (البته نادر)، هماهنگی وجود ندارد: مطالب گروه‌آبلی «بالاگریوه» در زیر عنوان «الشترو دلفان» آمده است.^{۱۱}

وسواس و تلاش مصحح گرامی در ارائه متنی قابل قبول به خوبی پیداست و یادداشت‌هایی هم که در پایان کتاب آمده، چشمگیر و راه‌گشا بوده و شایسته تقدیر است. با این حال در پاره‌ای موارد - مانند دیگر کتاب‌ها - سهو و غلط‌های تایپی انگشت‌شمار در کتاب دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ص ۴۱ لقب اعظم السلطنه کاکاوند «خان لره» به معنی لاغراس‌ت نه «کره» به معنی «ناشنوا» یا هرچیز دیگر.
- ص ۷۱ سطر ۱۷ «چنان شهرت داشت...» درست‌تر به نظر می‌رسد.

- ص ۱۰۱ «تنگ مرو» باید درست باشد نه «تنگ هرو».

- ص ۱۸۸، سطر ۱۲ «به سوی خرم‌آباد» درست‌تر است نه «به سوی محرم‌آباد».

- ص ۱۹۶، علی رضا خان پسر علی مردان خان است نه علی مرادخان.

- ص ۲۴۴ به احتمال زیاد «دختر حشمت‌الدوله» صحیح است نه «اختر حشمت‌الدوله».

- گویا نمایه کتاب توسط مصحح محترم استخراج نشده و فردی ناآشنا به متن آن را تدوین کرده است، از این رو احتمال کاستی و خطا در آن می‌رود. به عنوان نمونه، «ساک، مظلوم ۲۱۲» باید به صورت «مظلوم ساکی، میرغیظی خان» می‌آمد. در صورتی که در زیر «م» نیز «میرغیظی خان ۲۱۲» آمده است.

نکته پایانی درباره شیوه چاپ و ویژگی‌های ظاهری اثر است. بی‌شک مجموعه‌ای که تاکنون از نوشته‌های معجزی توسط نشر حروفیه منتشر شده، در تاریخ نشر لرستان بی‌سابقه و فراتر از عالی است. به اصطلاح ناشر سنگ تمام گذاشته است و از این نظر شایسته تقدیر است. در پایان برای مدیر فرهیخته انتشارات حروفیه در جهت ادامه فعالیت‌های فرهنگی و انتشاراتی آرزوی موفقیت می‌نمایم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. معین السلطنه، میرزا رحیم خان: جغرافیای لرستان، خطی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، ش ۷۱۸۷.

۲. رزم‌آرا، جغرافیای نظامی ایران - لرستان، تهران: سازمان جغرافیایی ارتش ۱۳۲۰؛ امیراحمدی، خاطرات نخستین سپهبدایران، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۳.

۳. والیزاده معجزی، تاریخ لرستان روزگار قاجار، تصحیح حمیدرضا دالوند، تهران: حروفیه ۱۳۸۰، ص ۱۰ (مقدمه مصححان)؛ همو، تاریخ لرستان روزگار پهلوی، تصحیح غلامرضا عزیزی، تهران: حروفیه ۱۳۸۲، ص ۱۰. گفتنی است در مقدمه مصححان که در هر دو جلد تکرار شده، به خطوط اصلی و ویژگی‌های تاریخ‌نویسی روانشاد والیزاده اشاره شده است. افزون بر این نک. دالوند، حمیدرضا، «تاریخ‌نگاران لرستان و مقوله هویت» فصلنامه مطالعات ملی، سال ۴، ش ۱۴ (زمستان ۱۳۸۱)، صص ۶۳-۶۴.

۴. والیزاده، تاریخ لرستان روزگار قاجار، صص ۱۵۹-۱۶۰، ۳۰۶-۳۰۷.

۵. دالوند، پیشین، ص ۱۶۲.

۶. معجزی، تاریخ لرستان روزگار پهلوی، صص ۲۳، ۳۲، ۴۶-۵۱.

۷. نک، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، اسناد حکومت قوام‌الملک و عضدالسلطان در بروجرد.

۸. این مسائل در اثری با نام «تاریخ انقلاب اسلامی در لرستان» که هم اکنون از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی زیر چاپ است، توسط نگارنده به طور مفصل بررسی شده‌اند.

۹. معجزی، پیشین، ص ۶.

۱۰. همانجا.

۱۱. همان، صص ۲۹-۳۱.

۱۲. همان، صص ۱۷۹-۲۹۰.

۱۳. همان، صص ۲۹۱-۲۹۹.

۱۴. همان، صص ۱۹-۲۱.

۱۵. همان، صص ۴۱-۴۲.

بزرگ‌نمایی خطر لرستان و قدرت افسانه‌ای لرها، تنها توجیهی برای قدرت‌نمایی ارتش در لرستان و درخشان جلوه دادن کارنامه ارتش جوان در برقراری امنیت کشور بود

معجزی در کنار شنیده‌ها و دیده‌های خود، از اسناد و مکاتبات نیز بهره برده و آن چنان که شایع است وی گنجینه‌ای منحصر به فرد از اسناد و مکاتبات تاریخی در دست داشته است